

۱۶ زندگی ایران جامه

تکمیلی

رنگ در رنگ به زیبایی طبیعت



لباس زنان قشقای بسیار زیبا و جلوه‌ای از شکوه و زیبایی طبیعت هفت رنگ است. این لباس شامل چهار یا پنج دامن چین‌دار می‌شود که تنبان یا زیر جامه نامیده می‌شود. تنبان‌ها را روی هم می‌پوشند و هر کدام آنها از ۱۲ تا ۱۴ پارچه ساخته می‌شود.

تنبان‌های زیری از پارچه‌های ارزان مانند چیت گلدار و دامن‌های رویی از پارچه‌های بهتر مانند مخمل یا زری و تور است و در پایین، حاشیه یا تزئین دارد. سرپوش زنان قشقای یک کلاخچه (کلاهک) است که روی آن چارقد تور یا زری سه گوش بزرگی سر می‌کنند و آن را با سنتجاقی زیر گلو محکم می‌کنند و روی آن را از قسمت جلوی سر و بالای پیشانی دستمال کلاغی رنگی می‌بندند. سپس کلاغی را از پشت سر گره می‌زنند و قسمت زیادی آن را از پشت آویزان می‌کنند.

پوشاک ایلی مردان هم آرخالق آستردار بلندى است که تا مچ پا می‌آید و آستین بلند و گشاد و چاک دار دارد و ساده یا گلدار است. زیر آرخالق پیراهنی به رنگ های گوناگون ساده یا راه راه با شلوار بلند ایلی ساده یا راه‌راه می‌پوشند. بر روی آرخالق (در قسمت کمر) شال پهنی می‌بندند و کلاه دو گوشى از جنس کرک شتر به سر می‌گذارند. کلاه دو گوشى ویژه قشقایى‌هاست و به دستور ناصرخان، برای تمایز از ایلات دیگر، طرح شده‌است.

طراح:بیژن گورانی

جدول شماره ۵۸۳۳

جدول عادى

افقی:۱- نوعی ماهی استخوانی خوراکی-

خریدو فروش کالار در داخل کشور یا با کشور های دیگر
۲- مرحله رشد کامل موجود زنده- جاذبه- کلام روان و شیوا
۳- آگاهی داشتن- زمان سنج
۴- دومین مهره گردن- گوش کردن- خطیب
۵- شهر مدفن پروین اعتصامی- سهل- سرزنش
۶- نوعی ماده رنگی برای نقاشی- خالی کردن- طمع
۷- شرقی‌ترین شهر استان اصفهان- پیشرو قافله زائران- عمارت
۸- کوه آتشفشانی ایتالیا- ساز ترکی- همسایه عراق و سوریه
۹- جمله قرآنی- انتهای دو فک پرنندگان- حلقوم
۱۰- دودی- از جزایر جنوبی ایران- ضربه‌ای در بدमितون
۱۱- نوعی سوسیس- عبادت‌کننده- ربوبیت
۱۲- کالاه- فیلم کابویی- فاقد جذابیت
۱۳- خوشبوکننده شیرینی- ناشناخته
۱۴- حافظه اصلی کامپیوتر- مستمری- سازمان کشورهای صادرکننده نفت
۱۵- پهنه‌آبی در غرب

عربستان- متذکر- **عمودی:**
۱- چالاک- غریبه- ضربه سرد در فوتبال
۲- نگاه خیره- جالب و دوست‌داشتنی- همسایگی
۳- سخنان مضحک می‌گوید- چهره‌نما- مجاور
۴- لقب خواجه سرایان- وسیع‌ترین قاره- پایتخت آنگولا
۵- جلوس کردن- دامن بلند
۶- از تیم‌های فوتبال باشگاهی انگلیس- دعای پس از رکعت دوم نماز- فلج
۷- مخلوطی از شن و ماسه و سیمان و آب- فربه- طرف
۸- گروه خلافکاران- غرامت- کارگر کشتارگاه
۹- E- جویدن دوباره غذا در معده که خاص

حل جدول عادى شماره ۵۸۳۲

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	ت	ا	ز	ک	د	ن	ی	ا	م	ا	ک
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	
۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	
۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	
۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	
۱۰۶	۱۰۷	۱۰۸	۱۰۹	۱۱۰	۱۱۱	۱۱۲	۱۱۳	۱۱۴	۱۱۵	۱۱۶	۱۱۷	۱۱۸	۱۱۹	۱۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	
۱۲۱	۱۲۲	۱۲۳	۱۲۴	۱۲۵	۱۲۶	۱۲۷	۱۲۸	۱۲۹	۱۳۰	۱۳۱	۱۳۲	۱۳۳	۱۳۴	۱۳۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	
۱۳۶	۱۳۷	۱۳۸	۱۳۹	۱۴۰	۱۴۱	۱۴۲	۱۴۳	۱۴۴	۱۴۵	۱۴۶	۱۴۷	۱۴۸	۱۴۹	۱۵۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	
۱۵۱	۱۵۲	۱۵۳	۱۵۴	۱۵۵	۱۵۶	۱۵۷	۱۵۸	۱۵۹	۱۶۰	۱۶۱	۱۶۲	۱۶۳	۱۶۴	۱۶۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	

حل جدول ویژه شماره ۵۸۳۲

میراث جهانی چغازنبیل آزاد شد

بالاخره یک اتفاق خوب در حوزه میراث خوزستان افتاد و آن‌هم انتقال کارخانه قند از حریم میراث جهانی چغازنبیل بود. این اتفاق خوشایند به دستور استاندار خوزستان صورت گرفت. غلامرضا شریعتی در نامه‌ای به وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی به او اطمینان داد احداث کارخانه قند باهدف حفاظت



گزارشی از یک اقامت کوتاه امدالچسب در یک سیاه‌چادر عشایری

یک رویای دست‌یافتنی

سیاه‌چادرهابر پاست؛ میخ‌های چوبی پیشقراول هر سیاه‌چادر هستند تا نیمه در خاک فرو رفته‌اند و سایه‌سار خنکی را برافراشته‌اند. بندهایی با گره‌هایی منظم، میخ‌های چوبی را به سیاه‌چادر وصل کرده‌اند. پا به سیاه‌چادر که بگذاری، گرمای خورشید از یادت می‌رود و در یک لحظه چشمت گرفتار رنگ‌ها می‌شود و نقش‌های گلیم، چشمانت را مسحور می‌کند. یک گلیم گوشه‌چادر است مثل آن‌که می‌خواهد با آن نقش‌های زیبایش گرفتارمان کند. در سیاه‌چادری که از رختخواب گرفته تا ظرف و لباس و زندگی یک خانوار در گوشه آن هست، خبری از بی‌نظمی و آشفتگی نیست و همه چیز مرتب در گوشه‌ای چیده و گلیمی بر آن انداخته شده‌است. دو مفرش در بالای سیاه‌چادر است. نشستن و تکیه زدن بر آنها، خستگی را در می‌کند. سیاه‌چادر را بر مسیر آفتاب بنا می‌کنند، طوری که داخلش بسیار خنک است. خورشید حالا دیگر به بالاترین ارتفاع خود در آسمان رسیده، صدای میش و بره‌ها و زنگوله‌هایشان می‌آید، برای آب خوردن آمده‌اند نزدیک چادر... اینجا سیاه‌چادر عشایر ایل قشقای است؛ سیاه‌چادری که نه تنها به روی گردشگران باز است، بلکه دل‌هایی بزرگ در آن می‌تپد تا قلب زندگی عشایری از ضربان ناپستد و این فرهنگ و سبک زندگی اصیل به دست فراموشی سپرده نشود و زنده بماند.

شهزاد باباعلی پور

ایران

فراتر از قاب تلویزیون

سال‌هاست نام عشایر قشقای را می‌شنویم؛ کوچ‌روهایی که در کتاب‌های درسی تصویری از آنها دیده‌ایم یا فیلمی از کوچ آنها با آهنگ ترکی از صفحه تلویزیون تماشا کرده‌ایم؛ زنانی با لباسی از رنگ، سرپوشی بر سر و تن پوشی پولک دار و زیبا که با کودک‌هایی در بغل در کنار ایل راه می‌روند.

در این میان از مردان ایل، فقط تصویری از لباس محلی آرخالیق و کلاه دوگوش یا کلاه نمدی سیاه آنها به چشمان مان آشناست و در نهایت همه آنچه می‌دانیم چند نام است؛ ایل قشقای، دام، یکجانشینی و رضاخان. انگار تاریخ در گوش مان فرو کرده که قصه ایل با رضاخان تمام شده همه یکجا نشین شده و در کوچه، پس کوچه‌های شهرهای اطراف محو و خاخره شده‌اند.

این اما فقط بخشی از واقعیتی است که اتفاق افتاده، چراکه کوچ روها هنوز هستند و قلب ایل به سیاه‌چادرهایش می‌تپد، البته نه مثل گذشته‌ها، کمی ضعیف‌تر، کمی بی جان‌تر، زندگی به سبک و سیاق عشایر سخت است و در این روزگار هر کسی توان سازگار شدن با آن را ندارد.

اقامت کوتاه ما در یکی از همین چادرهای عشایری است؛ عشایر ایل قشقای در چهارمحال و بختیاری؛ استانی که هنوز برای گردشگرانی، استان غربی است. غربی در عین حال نادیده و بکر...

چهارمحال و بختیاری اما زندگی ایل قشقای است؛ به رویا می‌ماند؛ رویای زندگی و همراه شدن با ایل در بیلاق و قشلاق، خوابیدن در سیاه‌چادر، دوشیدن شیر، درست کردن کشک و ماست و... رویاهایی زیبا و بکر و دور، امداست‌یافتنی.

چوپان در حصار آغل ایستاده و هی می‌کند. آغل پر شده از چشم‌هایی که به در خیره مانده‌اند. زن و مرد مقابل ورودی آغل نشسته‌اند و دیگچه‌ای مقابل هرکدام قرار دارد. هر بار دو چشم سیاه، دو گوسفند بیرون می‌آیند. دستان مرد فروز و چابک است و دستان زن با عطفوت مادرانه‌ای شیر می‌دوشد. این، تصویر بخشی از زندگی بکرو اصیل عشایر ایران است؛ اصالتی که امروز آن را بیشتر می‌توان در دو کمپ عشایری این سرزمین مشاهده و تجربه کرد که هر دو در منطقه زاگرس با عنوان راهنمای عشایری فعالیت می‌کنند. بهمن مردانلو در منطقه شیراز و مجید علیخانی در چهارمحال و بختیاری که هر دو از عشایر قشقای هستند، توانسته‌اند پای گردشگران خارجی و ایرانی را به کمپ عشایری باز و فرصت زیست در طبیعت را در قالب تورهای تجربه‌گرا فراهم کنند. مشاهده و مشارکت در بخش‌های مختلف زندگی عشایر همچون پخت نان، آماده‌سازی کشک و ماست، آشنا شدن با گیاهان، تماشای شب‌های پرستاره و شناخت این سبک از زندگی در کوه‌های سبز کوه بروجن در چهارمحال و بختیاری و دشت‌ها و دامنه‌های زاگرس در شیراز بخشی از تجربه‌های یک گردشگر است که به ابتکار مردانلو و علیخانی برای گردشگران داخلی و خارجی فراهم شده‌است.

به صرف دریاچه و چشمه

در تنها کمپ گردشگری ـ عشایری چهارمحال و بختیاری، علاوه بر اقامت در سیاه‌چادر و خوردن و نوشیدن سالم‌ترین و تازه‌ترین و گوارا ترین خوراکی‌ها و نوشیدن‌ها و تماشای مراحل آماده‌سازی این اطعمه و اشربه، می‌توانید با راهنمای کمپ به طبیعت زیبای اطراف هم سری بزنید؛ به منطقه بکر حفاظت شده و دشت‌ها و دامنه‌های زردکوه. سلسله جبال زردکوه بختیاری نه تنها محل زندگی عشایر است، بلکه در این منطقه بکر و زیبا می‌توان از فرصت کوهنوری هم بهره برد. برای رسیدن به کوه کالار با ارتفاع ۳۴۲۸ متر از سطح دریا، باید به سمت تالاب گندمان رفت و از مسیر روستای نصیرآباد راهی شد. در مسیر، فرصت تماشای درختان بلوط، بنه یا همان پسته وحشی و بادام کوهی‌ها فراهم است. پیمایش که به انتها می‌رسد جایی نرسیده به قله، دریاچه‌ای میزبان قدم کوهپیمایان می‌شود؛ دریاچه‌ای در دل کوه که در زمستان یخ بسته و در تابستان آب سرد و زلالش، حال آدمی را جا می‌آورد. برف البته در تیرماه هم روی قله انباشته و منظرش تماشایی است. گردشگران کمپ عشایری این فرصت را دارند تا از چشمه آب سفید که نزدیک یک آبشار طبیعی است، بازدید کنند. آب چشمه سفید از سبک‌ترین و سالم‌ترین آب‌های معدنی ایران است و مردم محلی معتقدند نوشیدن آن در رفع بیماری‌های گوارشی موثر است.

یک سرپناه باصفا

چادرهای ایلی را که «بوهون» نامیده می‌شود، از موی بز و به رنگ سیاه می‌بافند. این چادرها معمولاً به شکل مستطیل است. شکل

چادر البته در تابستان و زمستان فرق می‌کند. در زمستان بیشتر تیرک‌ها در میان و سراسر چادر قرار می‌گیرند و سقف را به شکل مخروط درمی‌آورند تا هنگام ریزش باران، آب از لبه سقف به زمین بریزد. ولی در تابستان و بهار تیرک‌ها را در اطراف چادر قرار می‌دهند تا سقف صاف و هموار باشد. به‌جز چادرهای سیاه که چادر رسمی ایلی است، چادرهای برزنتی سفید یا اخابری رنگ دو پوشش آفتابگردان یا مخروطی برای پذیرایی از مهمان‌ها و برای استفاده در جشن‌ها و عروسی‌ها نیز وجود دارد.

مانع احداث کارخانه شوند، پیش از آن‌که پای بازرسان یونسکو به خوزستان و شهر شوش باز شود و پای حکم خروج این اثر جهانی از فهرست یونسکو را امضا کنند. روزنامه جام جم هم در ۲۴ آبان امسال گزارشی در این خصوص با عنوان «کارخانه قند، کام چغازنبیل را تلخ کرد» چاپ و منتشر کرد. / جام جم دیلی



عشایر معمولاً در فصول مختلف برای یافتن چراگاه کوچ (بیلاق و قشلاق) می‌کنند

یک بهار همراه ایل



ما در یکی از روزهای فروردین زیبای امسال، مهمان سیاه‌چادر گردشگری مجید علیخانی در منطقه حفاظت‌شده سبزکوه در شهرستان بروجن

چهارمحال و بختیاری شدیم. فروردین امسال گرچه برای گردشگری ایران حال‌وهوای نوروزی نداشت، اما برای علیخانی که قریب چهار سال تلاش کرده بود تا بتواند مجوز کمپ گردشگری عشایری سبزکوه را بگیرد، به معنای آغاز یک راه پرامید بود. این عشایر زاده از طایفه لرکی ایل قشقای ساکن در منطقه عشایرنشین سبزکوه در بخش گندمان شهرستان بروجن است. او یکی از معدود جوانانی است که با وجود دارا بودن مدرک تحصیلی مهندسی و امکان اشتغال، در سن ۲۸سالگی بازم به با کوچ همراه است. علیخانی می‌خواهد راهی قصه عشایر باشد. برای همین در کنار زیست عشایری، سیاه‌چادر گردشگری برپا کرده تا سبک زندگی خانواده و اجداد خود را به مردم و علاقه‌مندان ایران و جهان نشان دهد و از این مسیر باعث حفظ و بقای آن شود. برای رسیدن به کمپ عشایری سبزکوه باید تا شهرستان بروجن در استان چهارمحال و بختیاری رفت و در مسیر جاده لردهگان به محدوده روستای سرپیر رسید. در این میان گردشگران فرصت دارند از کنار تالاب گندمان که یکی از زیستگاه‌های پرندگان است و فرصت خوبی برای پرندنگری و بازدید از منطقه، عبور کنند. البته بهتر است برنامه‌ریزی برای سفر به این خطه زیبا را به بهار موکول کنید، زیرا سبزکوه بختیاری بیلاق عشایر قشقای است که از اردیبهشت تا ابتدای همراه چادرهای خود را در آن برپا می‌کنند و روی باز خودشان و سیاه‌چادرهایشان به روی گردشگران باز است.

درباره عشایر قشقای



در ایران دو ایل بزرگ و کهن وجود دارد که همچنان به سبک بیلاق و تاباکان زندگی عشایری خود را حفظ کرده‌اند؛ ایل قشقای و ایل بختیاری. عنوان بزرگ‌ترین ایل ایران هم به ایل قشقای می‌رسد. بیشتر ایل قشقای در استان فارس ساکن هستند و بسیاری از آنها هنوز در فصول مختلف سال از بیلاق به قشلاق کوچ می‌کنند. قشقای‌ها ترک‌تبار هستند و زبان‌شان ترکی قشقای آمیخته به فارسی است و البته فارسی را هم خوب می‌دانند. آنها معمولاً سه چهار ماه از سال را در مسیر کوچ هستند و بقیه سال را در بیلاق و قشلاق می‌گذرانند. شغل‌شان هم دامپروری و گله‌داری است و در زمان استقرار در بیلاق و قشلاق کشت و زرع هم می‌کنند. زندگی عشایر، چه در زمان بیلاق و قشلاق و چه در مسیر کوچ یکی از اصیل و طبیعی و جذاب‌ترین سبک‌های زندگی است که می‌تواند گردشگران زیادی را به سمت خود جذب کند، به‌ویژه گردشگران خارجی که با این سبک از زندگی تقریباً بیگانه‌اند.

قشقای‌های عشق چای



قشقای‌ها مردمانی شاد و سرخوش هستند و در تمام سال تنها در ایام محرم سوگواری می‌کنند. در جشن‌ها و عروسی‌ها رقص چوبی (گروهی) زنان و مردان قشقای بسیار زیباست. و اما چای یک عنصر بسیار مهم در زندگی قشقای‌هاست و به نوشیدن آن علاقه بسیار دارند. آنقدر که فرزندان خود را از کودکی به نوشیدن آن عادت می‌دهند. کشیدن قلیان هم میان آنها رایج است. مردم ایل فرمان‌گزار و مطیع دستور خان‌های خود هستند و هیچ قانونی را بالاتر از فرمان خان خود نمی‌دانند. این ارزش و احترام به قدری است که آرامگاه سران ایل به‌ویژه برخی خان‌ها در دامنه‌های باصفا با سنگ و شیروانی به سبک مزار حافظ ساخته شده و رهگذران را به خود جلب می‌کند. گورستان‌های قشقای هم در سراسر کوچ ایل فرار گرفته تا هنگام کوچ بتوانند برای مردگان خود فاتحه‌ای بخوانند.